

#### ایران و ونزوئلا؛ هشدارهای راهبردی



سعید خادمی

مشاور رئیس سازمان بهزیستی کشور

ارتباط ایران و ونزوئلا دو دهه است که در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. این روابط، به ویژه از دوران هوگو چاوز و نیکلاس مادورو شکل جدی‌تری به خود گرفت. این همکاری‌ها نه تنها سیاسی و دیپلماتیک بوده، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، نفت و انرژی، نظامی و فرهنگی نیز گسترش یافته است. از سوی دیگر، تجربه بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ونزوئلا به عنوان یک هشدار بالقوه برای کشورهای در حال توسعه و حتی جمهوری اسلامی ایران، مورد توجه تحلیلگران داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. پیوند ایران و ونزوئلا در ابتدا بر اساس منافع انرژی و نفتی شکل گرفت، اما با گذشت زمان، این رابطه به یک همکاری استراتژیک در برابر فشارهای غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا تبدیل شد. در عین حال، تحلیل‌های اخیر نشان می‌دهد که سقوط یا دستگیری مادورو می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای همپوشانی استراتژیک ایران داشته باشد و درس‌هایی حیاتی برای مدیریت داخلی، جلوگیری از فشارهای خارجی و حفظ ثبات اقتصادی و سیاسی کشور ارائه دهد. روابط ایران و ونزوئلا از اوایل دهه ۱۳۸۰ اوج گرفت. ایران و ونزوئلا رها بر «حق حاکمیت ملی»، «مقابله با فشارهای اقتصادی غرب» و «همکاری در زمینه انرژی» تأکید کرده‌اند. ونزوئلا در دوره مادورو با بحران شدید اقتصادی، کاهش تولید نفت و کمبود تجهیزات پالایشگاهی روبه‌رو بود و ایران با صادرات تجهیزات و سوخت پالایشگاهی به این کشور کمک کرد تا حدی بحران انرژی داخلی خود را مدیریت کند. ایران و ونزوئلا به طور رسمی و غیررسمی تجربه‌هایی در زمینه تبادل اطلاعات، آموزش نیروهای امنیتی و پشتیبانی تجهیزات دفاعی داشتند. هرچند این همکاری‌ها به دلیل حساسیت‌های بین‌المللی محدود شده بود، اما به وضوح یک پیام مقاومت در برابر فشارهای آمریکا و متحدانش ارسال می‌کرد. محورهای اشتراک ایران و ونزوئلا بر اساس ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در چند دسته می‌توان برجسته کرد. وابستگی اقتصادی به نفت و انرژی؛ هر دو کشور اقتصاد خود را عمدتاً بر پایه نفت ساخته‌اند و وابستگی به این منبع باعث آسیب‌پذیری آنها در برابر نوسانات بازار جهانی و تحریم‌ها شده است. فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها؛ ایران و ونزوئلا هر دو با تحریم‌های شدید آمریکا مواجه بوده‌اند و این فشارها عملاً بخشی از سیاست خارجی ایالات متحده را تشکیل می‌دهد. مدیریت متمرکز قدرت؛ ساختارهای سیاسی ایران و ونزوئلا به گونه‌ای است که بخش‌های تصمیم‌گیری کلان در اختیار نهاد‌های مرکزی قرار دارد و این مسأله انعطاف‌پذیری کمتر در برابر بحران‌ها را نشان می‌دهد. مواج‌ه به با بحران‌های داخلی؛ هر دو کشور تجربه اعتراضات داخلی، بحران اقتصادی و چالش‌های اجتماعی داشته‌اند که نشان می‌دهد فشار همزمان از داخل و خارج می‌تواند اثرات مخرب اقتصادی و سیاسی داشته باشد. این اشتراکات نشان می‌دهد که تجربه ونزوئلا برای ایران یک هشدار استراتژیک است و نه یک سناریوی محتمل. با وجود اشتراکات، تحلیل‌های اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که تفاوت‌های بنیادین بیش از آن است که شباهت ایران و ونزوئلا به مسأله اخیر کشیده شود. تنوع کشدای بیشتر ایران؛ هرچند نفت بخش بزرگی از اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد، اما ایران دارای صنعتی، پتروشیمی، معدنی و خدماتی گسترده‌ای دارد که کمک می‌کند اقتصاد کشور نسبت به تک‌محوری نفتی، مقاوم‌تر باشد. قدرت سیاسی و نهادی متفاوت؛ ایران دارای نهاد‌های قوی‌تر و ساختارهای قانون‌گذاری و نظارتی مستقل است که در ونزوئلا ضعیف یا تحت کنترل کامل رهبران قرار دارد. تنوع جمعیتی و سیاسی؛ ایران دارای طیف گسترده‌ای از گروه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که امکان تعادل و چانه‌زنی سیاسی داخلی را فراهم می‌آورد، برخلاف ونزوئلا که در بحران، اکثر نهاد‌ها زیر فشار قرار گرفتند. تجربه طولانی در مواجهه با تحریم‌ها؛ ایران از دهه ۱۳۶۰ با تحریم‌های اقتصادی مواجه بوده و توانسته سیاست‌ها و شبکه‌های اقتصادی جایگزین ایجاد کند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که ایران ماهیتاً خطر فروپاشی مشابه ونزوئلا را ندارد، اما عدم مدیریت صحیح می‌تواند آسیب‌پذیری‌ها را افزایش دهد.

#### پیامدهای سقوط مادورو

با سقوط یا دستگیری مادورو، تحلیلگران داخلی و خارجی توافق دارند که ایالات متحده و متحدانش در شکل‌گیری تغییر ساختاری در ونزوئلا نقش کلیدی داشته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد:

فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها کافی نیستند؛ مداخله مستقیم نظامی و سیاسی ممکن است در دستور کار باشد. سقوط متحدان ایران می‌تواند پیامدهایی برای همپوشانی استراتژیک، دیپلماسی و روابط اقتصادی ایران داشته باشد. ایجاد تغییرات ساختاری در کشورهای تحت فشار می‌تواند الگویی برای سایر بازیگران جهانی باشد و ایران باید پیش‌بینی‌های راهبردی برای مقابله با چنین سناریوهایی داشته باشد. تجربه‌های ونزوئلا نشان می‌دهد که تجمع بحران‌های اقتصادی، فشار خارجی و مدیریت ناکارآمد می‌تواند به فروپاشی سیاسی و اجتماعی منجر شود. برای ایران، درس‌ها شامل موارد زیر است. کاهش وابستگی اقتصادی به نفت

و گسترش اقتصاد داخلی؛ توسعه صنعتی، کشاورزی و فناوری‌های نوین باید در اولویت قرار گیرد. تقویت نهاد‌های قانونی و نهادی؛ تقویت قوه قضاییه و رفع کانون‌های احتمالی نفوذ در مجلس و نهاد‌های نظارتی می‌تواند جلوی تمرکز بیش از حد قدرت و فساد را بگیرد. مدیریت فشارهای بین‌المللی؛ ایجاد شبکه‌های تجاری و دیپلماتیک جایگزین، کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها و جلوگیری از مداخله مستقیم خارجی. تقویت انسجام اجتماعی و سیاسی؛ ایجاد کانال‌های شفاف برای بیان اعتراضات و مشارکت اجتماعی به کاهش فشارهای داخلی کمک می‌کند. حمایت مردم، قطعاً مهم‌ترین رکن حفظ نظام جمهوری اسلامی خواهد بود. بر اساس تحلیل منابع داخلی و خارجی، توصیه‌های راهبردی برای جلوگیری از تجربه مشابه ونزوئلا عبارت‌اند از: تنوع‌بخشی به اقتصاد و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جایگزین نفت. تقویت شبکه‌های بانکی و تجاری مستقل از غرب. ایجاد سازوکارهای پاسخ سریع به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی. ارتقای شفافیت در مدیریت منابع عمومی و بودجه‌ای. تقویت دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی با هدف کاهش فشار خارجی. آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی در زمینه اهمیت انسجام ملی و مشارکت اجتماعی. با بررسی دقیق روابط ایران و ونزوئلا، اشتراکات و تفاوت‌ها، و همچنین تحلیل سقوط مادورو و پیامدهای آن، می‌توان نتیجه گرفت: تجربه ونزوئلا یک هشدار استراتژیک است، نه یک سناریوی محتمل.

غلامعلی دهقان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## دولت صدای اعتراض‌ها را شنید



جامعه ایران در دام ترامپ نخواهد افتاد

آمریکادر ونزوئلابی قاعدگی سیاسی انجام داد

آرمان ملی: در روزهای اخیر در کشور اعتراضاتی در شهرهای مختلف نسبت به وضعیت اقتصادی انجام شده که با تفسیرهای متفاوتی همراه شده است. در این بین اما آمریکا نیز با حمله به ونزوئلا دولت مادورو را ساقط کرد. «آرمان ملی» برای بررسی دلایل این اعتراضات و سقوط دولت مادورو با غلامعلی دهقان تحلیلگر سیاسی گفت‌وگو کرده است. دهقان در این زمینه معتقد است: «اعتراض ناگهان به ضد اهداف خود تبدیل می‌شود و به جای آنکه به جواب برسد سبب مشکلات بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد عامل سیاست زندگی یکی از افات کشور ما است. یعنی فکر

#### مهم‌ترین دلایل اعتراضات اخیر را در کشور چه می‌دانید؟

اعتراضات اخیر از ناحیه بازار تهران شکل گرفت. بازار نسبت به رکود جاری در اقتصاد و البته بیشترین انتقاد را درباره رایحه بودجه سال آینده داشت. در لایحه بودجه سهیم ارزش افزوده بیشتر شده بود و همچنین مالیات، با توجه به پایین آمدن قدرت خرید مردم بازار احساس می‌کرد در این شرایط بازنده است و بار زیادی قرار است بر دوش او قرار بگیرد. می‌توان گفت حرکت اولیه حرکتی کاملاً خودجوش و صنفی بود. در همان روزهای اول شخص پزشک‌بان رئیس جمهور در دیداری با هیات امنای بازار داشت و به سخنان آنان با سعه صدر گوش داد و پیشنهادهای آنان را شنید و قول ترتیب آن‌ها داد. از نتایج این دیدار نامه پزشک‌بان به مجلس شورای اسلامی بود که موافقت خود را با تغییر در برخی بندهای بودجه سال آتی اعلام کرد. دولت نشان داد پیام اعتراضات صنفی بازار را شنیده است، اما مشکل همیشگی این است پس از دو یا سه روز از اعتراضات هدف اصلی اعتراض فراموش و حواشی بر متن غلبه پیدا می‌کند و سمت و سوی شعارها به مسائل سیاسی می‌رود. در موارد زیادی در سال‌های قبل شاهد چنین انحراف‌هایی بودیم. سال ۱۳۸۸ بعد ۱۳۹۶ و بعد ۱۳۹۸. اعتراض به نکته خاصی است اما ناگهان مسیر عوض می‌شود و جنبه ساختارشکنی پیدا می‌کند. اینکه چرا چنین می‌شود به فرهنگ سیاسی ما ایران‌بان برمی‌گردد که در کار جمعی ضعیف و از سوی دیگر راه خرد جمعی را گم می‌کنیم و هر کدام عقل کل می‌شویم و می‌خواهیم همه چیز از صدر و ذیل را زیر و رو کنیم. در حالی که می‌بایست مسائل و مشکلات را تفکیک و به آرامی جلو ببریم. تمامیت‌خواهی و زود به نتیجه رسیدن در فرهنگ است. یکی از بزرگان می‌گفت هر وقت جوانان را عجل می‌بینم می‌گویم پدر جان شهر اصفهان یک شبه ساخته نشده است. یعنی اینکه برای رسیدن به مطلوب می‌بایست گام به‌گام رفت. ولی ما می‌خواهیم همه مسائل کشور را در یک اعتراض یک شبه حل کنیم. ریشه این چنین فرهنگی باید در آموزش‌های رسمی و خانوادگی حل شود اما بعضاً بزرگان خانواده مثل پدر و مادر بسیار عجل هستند و حتی به آموزشی هم دارند.

#### چرا مطالبه بهبود وضعیت اقتصادی امروز به یک مطالبه ملی تبدیل شده است؟

گفت چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است؟ اما آنچه بیشتر باعث رنجش مردم می‌شود بی‌ثباتی در قیمت‌ها است چه برای تولیدکننده و چه برای مصرف‌کننده. برای ثبات اقتصادی نیاز به سرمایه‌گذاری است اما سرمایه به جایی می‌رود که امنیت داشته باشد. اینجا دیگر پای سیاست وسط می‌آید. به نظر می‌رسد اگر بتوانیم نوعی ثبات سیاسی را سر و سامان دهیم اوضاع اقتصادی هم سروسامان می‌گیرد. در شرایط تحریمی کار سخت است. ببینید در همان سه سال برجام قیمت تقریباً ثبات داشت اما وقتی ترامپ به قدرت رسید و شرایط تحریمی حاکم شد دوباره به مقطع قبل از برجام برگشتیم و نوسان قیمت‌ها دوباره شروع شد، به خصوص قیمت‌های سه‌گانه انرژی، طلا و سکه که در جامعه ما درست یا نادرست شاخص اقتصاد شده است. البته دولت‌مدان تمامی



می‌کنیم مشکل همه چیز در سیاست است. یله سیاست مقوله مهمی است اما قرار نیست تمام فکر و ذکر ما بشود. این البته یک مشکل تاریخی هم است. در این شرایط می‌بینیم جریانات سیاسی هم شروع به بهره‌برداری می‌کنند و بر موج نارضایتی سوار می‌شوند و همین کار را سخت می‌کند. گاهی چون فزون خواه هستیم و خردورز هم نیستیم، اعتراض می‌شود اغتشاش و حمله به مراکز دولتی و آسیب به منافع ملی. چاره‌ای نیست جز اینکه فرهنگ درست اعتراض نهادینه شود». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

به نظر می‌رسد عامل سیاست زندگی یکی از آفات کشور ماست. یعنی فکر می‌کنیم مشکل همه چیز در سیاست نهفته است. سیاست مقوله مهمی است اما قرار نیست تمام فکر و ذکر ما بشود. این البته یک مشکل تاریخی است

تلاش خود را کردند تا ذیل راهبرد نرمش قهرمانانه مشکل را حل کنند، اما پدیده شوم ترامپیسم از راه رسید و بازی را بهم زد و باز با رای آوردن در آبان سال گذشته ثبات اقتصاد را ما را بیشتر زیر سوال برد. علاوه بر این بدقولی شبکه‌های تراسیتی برای برگرداندن دلار صادراتی هم مشکل را بیشتر کرد. اگر طرف غربی درست عمل کند و دست از تهدید بردارد و به بازی برد-برد تن دهد و در داخل عده‌ای منافع ملی را بر منافع شخصی ترجیح دهند امید بهبود است.

#### ارزایی شما از نوع کنشگری نهاد‌های تصمیم‌گیر در برابر اعتراضات به چه صورت بوده است؟

دولت خوب عمل کرد در همان روزهای اول ریاست جمهور از وزیر کشور خواست با معترضین برخورد منطقی و اصولی بشود و خود ایشان جلسه‌ای با زعمای بازار داشت که هر دو طرف اظهار رضایت داشتند. اما مشکل همان نکته‌ای است که قبلاً اشاره شد. اعتراض ناگهان به ضد اهداف خود تبدیل می‌شود و به جای آنکه به جواب برسد سبب مشکلات بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد عامل سیاست زندگی یکی از افات کشور ماست. یعنی فکر می‌کنیم مشکل همه چیز در سیاست نهفته است. سیاست مقوله مهمی است اما قرار نیست تمام فکر و ذکر ما بشود. این البته یک مشکل تاریخی است. در این شرایط می‌بینیم جریانات سیاسی هم شروع به بهره‌برداری می‌کنند و بر موج نارضایتی سوار می‌شوند و همین کار را سخت می‌کند. گاهی چون فزون خواه هستیم و خردورز هم نیستیم اعتراض می‌شود اغتشاش و حمله به مراکز دولتی و آسیب به منافع ملی. چاره‌ای نیست جز اینکه فرهنگ درست اعتراض نهادینه شود. یادش بخیر در دورانی که مدراس درسی به عنوان درس

بعید است جامعه فهیم رو به رشد ما به سادگی در دام ترامپ و عوامل داخلی او قرار بگیرد، چراکه هویت ملی در ایرانیان بالا است و ملی‌گرایی با دورکن ایرانیت و اسلامیت اجازه نمی‌دهد مخالفان نظام بتوانند به اهداف خود برسند

ابوالقاسم دلفی:

## بعد از اظهارات ترامپ باید توجه بیشتری به وضعیت داخلی داشته باشیم

تامل است. اظهارات آقای ترامپ وضعیتی را ایجاد کرده که ما باید با عقلانیت و توجه به وضعیت داخلی کشور و شرایط اقتصادی، به حرکتی که در داخل کشور به وجود آمده، نگاهی دقیق داشته باشیم. ابوالقاسم دلفی با بیان اینکه مردم، به ویژه اقشار مختلف، چه مدعی است. ما تجربه اول خود را در مذاکرات داشته‌ایم و چه بدون آن، در حال ابراز نارضایتی هستیم، بیان کرد: اگر دقت کنید، می‌بینید که اعتصابات و راهپیمایی‌های اخیر همزمان با زمانی است که دولت بودجه سال آینده را ارائه می‌دهد. این بودجه مورد توافق نمایندگان مجلس نیست و نمایندگان مجلس به دلیل نواقصی که در نظر خود دارند، با آن مخالف هستند. مخالف مجلس تقریباً همزمان با آنچه در خیابان‌ها مشاهده می‌شود، به وقوع پیوسته است و به اینکه این

هنر بود در قسمت تمرین خط زیاد می‌نوشتیم حمله ادب آداب دارد. البته خیلی هم نمی‌فهمیدیم معنای این جمله را. بعدها که بزرگتر شدیم فهمیدیم چه جمله بر معنار کاربردی. هر شرایطی اداب خود را دارد پس یک نوع ادب نداریم. عزاً ادبی دارد عروسی هم آداب خود را دارد. مدرسه یک جور دیگر خانه نوع دیگر. می‌خواهم بگویم ما هنوز ادب و فرهنگ اعتراض را نداریم. نوجوان و جوان ما از چه کسی باید بگیرد؟ از اولیای خود. جالب اینکه آنها چنان بچه‌را از بیجگی به بی‌حوصله بودن پرخاشگر بودن بدبین بودن سوق داده‌اند که گاهی اوقات به قول معروف صدر رحمت به بیجه‌ها. به نظر می‌رسد کارکرد نهاد خانواده و کارکرد نهاد آموزش و پرورش مختل شده است. حالا ای بساکار که نهاد اقتصاد هم مشکل پیدا کند، می‌شود همین نوجوان و جوان اغتشاشگر که خود قربانی دیگران است.

#### اعتراضات در چه ابعادی خواهد بود؟

اعتراضات در روزهای اول و البته اغتشاش در روزهای اخیر نسبت فراوانی آن نسبت به اعتراض و اغتشاش در پاییز ۱۴۰۱ در قضیه مهسا به مراتب کمتر است. یادآوری این نکته لازم است ایران ۳۱ استان، حدوداً ۵۵۰ شهرستان و ۱۵۵۰ شهر دارد. در قضایای اخیر فقط در دو درصد شهرهای ایران تجمعات هم از اعتراض و یا اغتشاش بوده است و حال آنکه در پاییز سه سال پیش گسترش بیشتری داشت. شاید به دلیل مطالبات زنانه سطح پراکندگی شهرها بیشتر بود. قرائن و شواهد نشان می‌دهد ظرف مدت کوتاهی شاهد فروکش کردن اعتراض و اغتشاشات منجر به درگیری باشیم، اما با ورود ترامپ به مسائل داخلی و ادعای حمایت از معترضین شاید برخی تصور کنند حالا وقت آن است بیش از گذشته به ساختارشکنی بپردازیم. البته هدف ترامپ در هماهنگی با پهلوی همین هم است. همانطور که سعید قاسم‌نژاد به عنوان دست راست پهلوی خواهان شدت گرفتن اعتراضات در شهرهای بزرگ شد. اما همانطور که شیب اعتراضات روزبه‌روز کمتر شد، بسیاری بعید است جامعه فهیم رو به رشد ما به سادگی در دام ترامپ و عوامل داخلی او قرار بگیرد، چراکه هویت ملی در ایرانیان بالا است و ملی‌گرایی با دورکن ایرانیت و اسلامیت اجازه نمی‌دهد مخالفان نظام خواهان شدت گرفتن اعتراضات در شهرهای بزرگ یکی از پر از حام‌ترین و شلوغ‌ترین راهپیمایی‌های بعد از انقلاب را در ۲۲ بهمن داشته باشیم.

#### چرا دولت مادورو در مدت زمان کوتاهی سقوط کرد؟

قضیه مادرو خیلی شبیه به قضیه نوریگا حکم وقت پاناما در سال ۱۹۹۰ میلادی شد. در آن سال هم در اواخر ماه ژانویه نیروهای آمریکایی نوریگا را با یک حمله نظامی سرنگون کردند، او را به آمریکا بردند و محاکمه کردند و به سی سال زندان محکوم شد. ا دید آمریکا بی جرم هر دو هم نوریگا و هم مادورو قاچاق مواد مخدر بود. البته جرم هر دو ایستادگی در برابر آمریکا و داشتن دیدگاه‌های ضد امپریالیستی بود. در هر حال آمریکایی‌ها قاچاق را رها نه کردند و ایستادگی مادورو را در هم شکستند. این قضیه نشان داد دولت‌مدان آمریکایی به راحتی حقوق بین‌الملل را زیر پا نمی‌گذارند و هر جا که منافع‌شان اقتضا کند، بی‌قاعده هستند.

#### گزارش

لژوم محاکمه معماران بدهی  
۲ میلیارد دلاری و ونزوئلا به ایران  
چه کسی پاسخگو خواهد بود؟

روابط اقتصادی میان کشورها، اگر قرار است به توسعه ملی، رشد پایدار و افزایش رفاه عمومی منتهی شود، ناگزیر از عبور از صافی عقلانیت اقتصادی، محاسبه هزینه-فایده و شفافیت نهادی است. اقتصاد ۲۴ نوشت: تجربه ایران در تعامل با ونزوئلا، اما در دو دهه اخیر، نمونه‌ای گویا از مسیری معکوس است، مسیری که بیش از آنکه بر منطق اقتصاد سیاسی استوار باشد، بر هیجان‌های ایدئولوژیک، پیوندهای نمادین و تصمیم‌های پرهزینه بدون بازده اقتصادی بنا شده است. روز شنبه با بازداشت نیکلاس مادورو رئیس جمهوری ونزوئلا، شریک ایران در سال‌های گذشته و با برجسته‌شدن دوباره خبر بدهی چند میلیارد دلاری ونزوئلا به ایران و قرار گرفتن این طلب در وضعیتی مبهم و نامعلوم، پرسش اصلی نه فقط «آیا این پول باز می‌گردد؟» بلکه «چه کسانی باید پاسخگوی این سرمایه‌سوزی باشند؟» است.

#### دوستی پرهزینه

نقطه عطف روابط تهران و کاراکاس را باید به سال‌های ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در ایران و هوگو چاوز در ونزوئلا بازرگرداند؛ دوره‌ای که سیاست خارجی ایران به‌طور آشکار به سمت ایجاد بلوک‌های سیاسی ضدآمریکایی سوق داده شد. ونزوئلا در این چارچوب، نه به عنوان یک شریک اقتصادی قابل اتکا، بلکه به مثابه یک هم‌پیمان نمادین تعریف شد. کشوری با ذخایر عظیم نفتی، اما اقتصادی فرسوده، نظام مالی ناکارآمد و ساختار حکمرانی‌ای که از همان زمان نشانه‌های فروپاشی را بروز داده بود. در آن سال‌ها، قراردادهای تهاهم‌نامه‌ها و پروژه‌های مشترک با شتابی غیرمتعارف امضا شدند؛ از سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی گرفته تا تأسیس کارخانه‌ها، طرح‌های مسکن، پروژه‌های صنعتی و همکاری‌های فنی. با این حال، کمتر نشانی از ارزیابی‌های دقیق اقتصادی، تضمین بازگشت سرمایه یا حتی سازوکارهای شفاف پرداخت در این همکاری‌ها دیده می‌شد. اقتصاد ایران، که خود درگیر تحریم، محدودیت منابع انرژی و مشکلات ساختاری بود، عملاً بخشی از توان مالی و صنعتی‌اش را در جغرافیایی بسیار دور و پرریسک هزینه کرد.

#### نفت در برابر وعده!

یکی از محورهای اصلی روابط اقتصادی ایران و ونزوئلا، صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی از سوی ایران به این کشور بود؛ به ویژه در مقاطعی که زیرساخت‌های پالایشی ونزوئلا به دلیل سوءمدیریت مزمن و تحریم‌ها از کار افتاده بود. ایران در نقش تأمین‌کننده سوخت ظاهر شد و معموله‌های قابل توجهی از بنزین، گازوئیل و سایر محصولات پالایشگاهی را به کاراکاس ارسال کرد. اما در اقتصاد، نیت خیر جایگزین قرارداد معتبر نمی‌شود. پرداخت‌ها یا با تأخیر انجام شد، یا به صورت ناقص، یا اساساً در حد وعده باقی ماند. بخشی از مطالبات ایران به شکل دارایی‌های غیرنقدشونده، سهام در پروژه‌های مشترک یا تجهیزات فنی تعریف شد. دارایی‌هایی که در عمل نه نقدپذیر بودند و نه تحت کنترل مؤثر ایران. نتیجه آن شد که به تدریج، قسمی چند میلیارد دلاری به عنوان طلب انباشته ایران از ونزوئلا شکل گرفت. طلبی که امروز از آن به عنوان بدهی حدود دو میلیارد دلاری یاد می‌شود.

#### تداوم یک خطا

با پایان دولت احمدی‌نژاد، انتظار می‌رفت که این رویکرد پرهزینه مورد بازنگری قرار گیرد، اما در عمل و در دولت سیدآبراهیم رئیسی بر گسترش روابط با ونزوئلا تأکید شد، آن هم در شرایطی که نشانه‌های بحران عمیق اقتصادی در این کشور بیش از پیش آشکار شده بود. اصرار بر توسعه روابط، بدون اصلاح چارچوب‌های مالی، بدون تضمین حقوقی مطالبات و بدون شفاف‌سازی عملکرد گذشته، به معنای ادامه همان مسیر پرخطا بود. در این دوره نیز قراردادها و تهاهم‌نامه‌های امضا شد که بیش از آنکه مبتنی بر منطق بازار باشد، رنگ و بوی سیاسی داشت. نتیجه، افزایش ریسک انباشت مطالبات و تعمیق بدهی‌هایی بود که امروز وصول آنها با تردید جدی مواجه است. واقعیت آن است که ونزوئلا شال‌هاست در وضعیت ناتوانی ساختاری در بازپرداخت بدهی‌ها به سر می‌برد. نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی این کشور، در سطحی قرار دارد که حتی در سناریوهای خوش‌بینانه نیز بازپرداخت کامل دیون را غیرممکن می‌سازد.

بازسازی بدهی ونزوئلا اگر هم اتفاق بیفتد، مستلزم کاهش چشمگیر اصل بدهی‌هاست؛ فرآیندی که معمولاً طلبکاران سیاسی و غیرهمسوارا در اولویت‌های پایین قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، طلب ایران که عمدتاً ریشه در معامفات نفتی و پروژه‌های خاص دارد، نه تنها در معرض کاهش ارزش واقعی است، بلکه ممکن است اساساً در فرآیندهای حقوقی و مالی آینده نادیده گرفته شود. بدهی ونزوئلا به ایران نه تنها یک مسأله مالی، بلکه نمونه‌ای از ریسک‌های سیاسی نادیده‌گرفته‌شده در سیاست‌گذاری اقتصادی است. شاید مهم‌ترین بخش این پرونده، نه در کاراکاس، بلکه در تهران نهفته باشد. پرسش بنیادین این است که چه کسانی تصمیم گرفتند منابع محدود کشور را در مسیری چنین پرریسک هزینه کنند؟ چه نهادی در چارچوب این روابط را محاسبه کرد؟ و چرا هیچ‌گاه گزارش شفاف از میزان سرمایه‌گذاری‌ها، بازده آنها و وضعیت مطالبات ارائه نشده‌است؟ بدهی دو میلیارد دلاری ونزوئلا به ایران، صرفاً یک اختلاف مالی میان دو دولت نیست؛ این پرونده، آینه‌ای است که تصویری روشن از هزینه‌های سیاست‌گذاری غیرعقلانی در اقتصاد خارجی را نشان می‌دهد.